عاملان آزار و اذیت دختر جوان محاکمه شدند

پسر شیطان صفتی که با همدستی مرد معتادی دختر جوانی را مورد اذیت و آزار قرار داده‌بود در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

به گزارش جوان، سال گذشته دختر ۱۷ساله‌ای با مراجعه به اداره پلیس از مرد جوانی به نام فرهاد به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد. آن دختر که همراه مادرش به اداره پلیس رفته بود در حالی که به شدت گریه می‌کرد با صدایی لرزان مدعی شد مرد جوانی او را آزار داده است.

شاکی به مأموران پلیس گفت: «مدتی قبل با پسر جوانی آشنا شدم و گاهی اوقات با هم در خیابان قرار ملاقات می‌گذاشتیم. روز گذشته در یکی از کوچه‌های منطقه شوش با او قرار داشتم که بعد از دقایقی صحبت با هم خداحافظی کردیم و او رفت. قصد داشتم به خانه برگردم که ناگهان پسر جوانی سد راهم شد و به زور و کتک کاری در حالی که چاقو در دست داشت مرا به خانه‌ای در آن کوچه کشاند.»

شاکی ادامه داد: «آن خانه دو طبقه بود و در طبقه اول چند نفر مشغول مصرف موادمخدر بودند که یکی از آنها داریوش نام داشت. او کلید طبقه بالا را به فرهاد داد و فرهاد در حالی که مرا روی زمین می‌کشید به زور به طبقه بالا برد. هرچقدر اصرار و گریه کردم که مرا رها کند فایده‌ای نداشت و او مرا آزار داد. او اجازه نمی‌داد از خانه خارج شوم و در خانه را قفل بزرگی زده بود که در نهایت موفق به فرار شدم.»

با طرح این شکایت دختر جوان به پزشکی قانونی فرستاده شد و فرهاد و داریوش تحت تعقیب مأموران قرار گرفتند.

با دستگیری داریوش، شش ماه بعد فرهاد که به مکان نامعلومی گریخته بود شناسایی و بازداشت شد. دو مرد جوان به پلیس آگاهی منتقل شدند، اما جرمشان را انکار کردند. سپس فرهاد مدعی شد دختر جوان به میل خودش به آن خانه رفته‌است و شاکی را آزار نداده است.

با انکارهای دو متهم، فرهاد به اتهام تجاوز به عنف و داریوش نیز به اتهام معاونت در تجاوز به عنف آنها راهی زندان شدند تا اینکه پس از تکمیل شدن پرونده‌هایشان از سوی هیئت‌قضایی شعبه یازدهم دادگاه به ریاست قاضی حشمتیان محاکمه شدند.

ابتدای جلسه دختر جوان شکایتش را مطرح و برای دو متهم درخواست اشد مجازات کرد.

در ادامه فرهاد که با قرار وثیقه آزاد بود در جایگاه ایستاد و بار دیگر جرمش را انکار کرد. او در دفاع از خود گفت: «باور کنید شاکی به میل خودش وارد خانه شد. وقتی او را به اتاق طبقه بالا بردم لحظاتی پایین آمدم تا وسیله‌ای از داریوش بگیرم. او می‌توانست همان لحظه فرار کند. باور کنید دروغ می‌گوید.»

سپس متهم در پاسخ به سؤال هیئت قضایی درباره فرارش گفت: «بعد از آن حادثه همه اقوام و بستگان شاکی مقابل خانه‌مان آمدند و با چوب و اسلحه قصد داشتند مرا به قتل برسانند. چاره‌ای جز فرار نداشتم.»

در ادامه داریوش نیز در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش گفت: «آن روز همراه دوستانم در حال مصرف مواد بودیم که فرهاد از من کلید را گرفت و به طبقه بالا رفت. باور کنید در حال خودم نبودم و فقط دیدم شاکی همراه اوست ولی ندیدم که فرهاد او را کتک بزند.»

در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

اعتراف دزد فراموشکار به قتل پیرزن همسایه

مرد معتاد پس از قتل پیرزن همسایه انگشتری طلای وی را سرقت کرد، اما هنگام فرار آن را در محل جا گذاشت.

به گزارش جوان، روز چهارشنبه هشتم مرداد سال گذشته بود که به مأموران پلیس تهران خبر رسید زن سالخورده‌ای در خانه‌اش نزدیکی خیابان مجیدیه به طرز مشکوکی به قتل رسیده‌است.

مأموران پلیس پس از حضور در محل حادثه که طبقه‌دوم ساختمان مسکونی بود، داخل اتاق خواب با جسد زن ۷۰ساله‌ای به نام گوهر روبه‌رو شدند که روسری دور گردنش پیچانده شده‌بود.

بدین ترتیب با اعلام این خبر بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل حادثه تحقیقات خود را آغاز کردند.

تیم جنایی در نخستین گام در قتلگاه زن سالخورده با بهم ریختگی وسایل خانه روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت عامل قتل با انگیزه سرقت دست به جنایت زده‌است. همچنین مأموران پلیس روی میز عسلی کنار جسد انگشتر طلای مقتول را پیدا کردند که احتمال می‌رفت قاتل هنگام فرار انگشتر مقتول را در محل جا گذاشته است.

■ اظهارات فرزند مقتول

از سوی دیگر بررسی‌های بیشتر نشان داد قاتل فرد آشنایی بوده است که بدون تخریب قفل در وارد خانه شده و پس از قتل گوهر اموال او را سرقت کرده است.

فرزند مقتول که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده بود، گفت: چند سالی است که پدرم فوت کرده و مادرم تنها شده بود که از او خواستیم همراه ما زندگی کند، اما مادرم قبول نمی‌کرد و می‌گفت در خانه خودش راحت‌تر است.

پس از این ما هر روز به خانه مادرم می‌آمدیم و به او سر می‌زدیم و گاهی هم تلفنی حال او را جویا می‌شدیم تا اینکه چند ساعت قبل با مادرم تماس گرفتم، اما جواب نداد. فکر کردم او خواب است و ساعتی بعد تماس گرفتم اما مادرم نه تلفن همراهش و نه تلفن خانه را باز هم جواب نداد که نگران شدم و به درخانه‌اش آمدم. وقتی با کلید یدک در را باز کردم وسایل خانه بهم ریخته بود و بعد هم در اتاق خواب با جسد مادرم که با روسری خفه شده بود روبه‌رو شدم و موضوع را به مأموران پلیس خبر دادم.

من احتمال می‌دهم قاتل فرد آشنایی باشد که مادرم در را روی او باز کرده است.

■ پسر همسایه

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس جنایی برای شناسایی و دستگیری قاتل دست به تحقیقات تخصصی زدند.

کارآگاهان در نخستین گام از همسایه‌ها تحقیق کردند که مشخص شد روز حادثه هیچ کدام از همسایه‌ها متوجه ورود فرد غریبه‌ای به ساختمان نشده‌اند. همچنین در بررسی‌های دوربین‌های مداربسته هم مشخص شد روز حادثه غیر از افراد ساکن در ساختمان فرد دیگری ورود و خروج از ساختمان نداشته‌است. بنابراین این احتمال برای مأموران پلیس قوت گرفت که قاتل یکی از افراد ساکن ساختمان است و بدین ترتیب تحقیقات خود را روی همسایه‌ها متمرکز کردند که دریافتند پسر ۳۸ساله یکی از ساکنان ساختمان به‌نام شهروز معتاد به مواد مخدر شیشه است و روز حادثه هم سراسیمه از ساختمان بیرون رفته و چند ساعت بعد دوباره به ساختمان بازگشته است.

بدین ترتیب مأموران شهروز را به عنوان مظنون حادثه تحت تعقیب قرار دادند و مدتی بعد با به‌دست آوردن مدارک وی را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

■ اعتراف به قتل

متهم در بازجویی‌ها ابتدایی جرم خود را انکار کرد و مدعی شد که در قتل زن همسایه نقشی نداشته‌است.

وی گفت: من معتاد به موادمخدر هستم، اما در قتل زن همسایه دست ندارم و نمی‌دانم که چه کسی او را به قتل رسانده است. من او را می‌شناختم و حتی به او هم کمک می‌کردم و چطور می‌توانستم که او را به قتل برسانم.

در حالی که شهروز مدعی بود قاتل نیست به دستور بازپرس راهی زندان رجایی‌شهر شد تا اینکه چند روز قبل وی به رئیس زندان اعلام کرد می‌خواهد به قتل اعتراف کند.

سپس متهم روز قبل از زندان به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و مورد بازجویی قرار گرفت. وی با اظهار پشیمانی به قتل زن همسایه اعتراف کرد و در ادامه هم با دستور قاضی محمدحسین زارعی، بازپرس شعبه‌دهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با قاتل

شهروز با چه انگیزه‌ای دست به قتل زن همسایه زدی؟

نمی‌خواستم او را بکشم و فقط می‌خواستم از خانه‌اش سرقت کنم که این حادثه رقم خورد.

از کجا خبر داشتی که در خانه‌اش پول دارد؟

من خبر نداشتم اما فکر می‌کردم که به‌هر حال زن تنهایی مثل او مقدار زیادی در خانه‌اش پول نگهداری می‌کند و از همه مهمتر خیال می‌کردم که طلا هم زیاد داشته باشد.

چقدر سرقت کردی؟

هیچی.

چرا؟

واقعیتش وقتی زن همسایه هنگام سرقت به قتل رسید خیلی ترسیدم و هر چقدر هم خانه‌اش را گشتم پول و طلایی پیدا نکردم و فقط متوجه انگشتر طلای دست شدم که او را هم از انگشتش بیرون آوردم و روی میز عسلی گذاشتم اما هول و هراسی که مرا گرفته بود هنگام فرار همان انگشتر را هم در خانه‌اش جا گذاشتم و دست خالی از آنجا بیرون آمدم.

چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟

من همراه مادرم و برادر کوچکم در آن ساختمان زندگی می‌کردم. شغلم نصب کولرهای گازی بود و محل کارم در فشم بود و درآمد خوبی هم داشتم و هزینه زندگی را فراهم می‌کردم تا اینکه سه‌سال قبل از طریق دوستان ناباب به مواد مخدر شیشه معتاد شدم. از آن روز به بعد زندگی‌ام تیر و تار شد و بدبخت شدم. همیشه برای هزینه اعتیادم مشکل داشتم که تصمیم گرفتم از خانه همسایه سرقت کنم.

درباره روز حادثه توضیح بده.

آن روز شیشه مصرف کرده بودم و داخل پارکینگ موتور سیکلتم را تعمیر می‌کردم که مادرم از بیرون وارد ساختمان شد و گفت همراه او به داخل خانه بروم. توهم داشتم که دقایقی بعد تصمیم گرفتم از خانه همسایه سرقت کنم و به همین خاطر به مادرم گفتم می‌خواهم سر کارم بروم. وقتی از خانه‌مان بیرون آمدم به در خانه گوهر رفتم و در زدم. او در را باز کرد که او را به داخل خانه هل دادم و وارد خانه‌اش شدم. شروع به داد و فریاد کرد که با دستم دهانش را گرفتم و به اتاق خواب بردم. آنجا باز هم شروع به داد و فریاد کرد که روسری‌اش را دور گردنش انداختم و کشیدم.

بعد چه شد؟

بعد از آنجا فرار کردم و به محل کارم رفتم.

چه شد که پس از گذشت چند ماه تصمیم گرفتی به قتل اعتراف کنی؟

من از روز اول عذاب وجدان داشتم به طوری که هر شب کابوس می‌دیدم و حتی یک لحظه هم چهره گوهر از جلوی چشمانم کنار نمی‌رفت اما به خاطر آبروی مادرم تصمیم گرفته بودم اعتراف نکنم. چون فکر می‌کردم اگر به قتل اعتراف کنم مادرم در آن ساختمان شرمنده سرافکنده می‌شود. به‌هرحال چند ماهی عذاب وجدان را تحمل کردم، اما دیگر توان تحمل را نداشتم و تصمیم گرفتم به قتل اعتراف کنم تا سبک شوم.

مرگ مشکوک دانشجوی پزشکی بررسی می‌شود

مأموران پلیس تهران جسد دانشجوی پزشکی را که داخل خودرواش به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته‌بود، کشف کردند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

به گزارش جوان، ساعت ۱:۴۲ بامداد دیروز سه‌شنبه بیست و دوم تیر قاضی حبیب‌الله‌صادقی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۶۴ قائم از مرگ مشکوک دختر جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه در نزدیکی بیمارستانی در شمال تهران پشت فرمان خودروی‌پژو۲۰۶ سواری با جسد دختر ۳۲ساله‌ای روبه‌رو شدند که به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد دختر فوت شده دانشجوی پزشکی بوده و در بیمارستانی در آن نزدیکی کار می‌کرده است.

همچنین مشخص شد جسد دختر جوان از سوی خانواده‌اش کشف شده و به مأموران پلیس خبر داده‌شده است.

بدین ترتیب مأموران پلیس ابتدا از خانواده وی تحقیق کردند.

یکی از اعضای خانواده دختر فوت شده گفت: دخترم در بیمارستان مشغول به کار بود و گاهی هم شیف شب می‌ماند. او شب قبل شیفت بود و قرار بود امشب به خانه بیاید. ما منتظر او بودیم اما خبری از دخترم نشد که نگرانش شدیم و با تلفن همراهش تماس گرفتیم. وقتی دخترم جواب نداد بیشتر نگران شدیم و با بیمارستان تماس گرفتیم، اما همکارانش هم گفتند که او در بیمارستان نیست.

وی ادامه داد: در حالی که هر لحظه نگرانی ما بیشتر می‌شد از خانه بیرون آمدیم و به طرف محل کارش به راه افتادیم که در نزدیکی بیمارستان محل کارش متوجه خودرواش شدیم که کنار خیابان پارک بود. وقتی در خودرو را باز کردیم با جسد بی‌جان دخترم پشت فرمان روبه‌رو شدیم و موضوع را به پلیس خبر دادیم.

وی در پایان گفت: دخترم خواستگار داشت و قرار بود به زودی مراسم ازدواج برای او بگیریم و راهی خانه بختش کنیم اما مرگ ناگهانی و مشکوک او ما را سیاهپوش کرد.

در ادامه جسد دختر جوان به دستور بازپرس جنایی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. تحقیقات درباره این حادثه از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

بازداشت فروشنده واکسن‌های قلابی کرونا در فضای مجازی

مرد فریبکار که با فروش واکسن‌های قلابی کرونا در فضای مجازی پول زیادی به جیب زده‌بود، بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ داوود معظمی گودرزی رئیس پلیس فتای تهران بزرگ گفت: چندی قبل مردی وارد پلیس فتای تهران شد و گزارش یک کلاهبرداری را اعلام کرد. این مرد گفت: من از مدتی قبل به دنبال تهیه واکسن کرونا بودم. از آنجا که می‌ترسیدم به بیماری کرونا مبتلا شوم برای پیدا کردن واکسن در فضای مجازی جست‌وجو کردم. در یک صفحه اینستاگرام مردی مدعی شده‌بود که واکسن کرونا می‌فروشد برای همین با او تماس گرفتم. آن مرد گفت که دارای یک شرکت معتبر است و واکسن‌های اصل را به مشتریان می‌فروشد. او شماره حسابی به من داد و خواست چند میلیون تومان پول را به حسابش واریز کنم تا واکسن را به من برساند. من هم اعتماد کردم و پول را به شماره حسابی که داده بود واریز کردم. ساعتی بعد هم واکسن را دریافت کردم، وقتی واکسن را به یکی از بستگانم که پزشک است نشان دادم، گفت که این واکسن تقلبی است برای همین تصمیم به شکایت گرفتم. بعد از مطرح شدن این شکایت مأموران پلیس فتا با اطلاعاتی که شاکی در اختیارشان گذاشته بود در این باره تحقیق کردند. آنها بعد از بررسی صفحه معرفی شده در اینستاگرام موفق شدند متهم را شناسایی و او را بازداشت کنند. مأموران پلیس در بازرسی از مخفیگاه متهم مقدار زیادی واکسن‌های تقلبی کرونا کشف کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: از مدتی قبل با راه‌اندازی صفحه در اینستاگرام مشتریان واکسن کرونا را فریب می‌دادم و به این شیوه از آنها پولی کلان می‌گرفتم و واکسن‌های قلابی را به آنها قالب می‌کردم تا اینکه شناسایی و بازداشت شدم.

سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در جریان است.

پلیس قلابی از مسافران اخاذی می‌کرد

راننده خودروی پراید که متهم است در پوشش مسافربر با تهدید اسلحه اموال مسافران را سرقت می‌کرد، سرانجام بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی توضیح داد که سیزدهم خردادماه امسال مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک سرقت را اعلام کرد. وقتی مأموران پلیس در محل حاضر شدند شاکی ماجرای سرقت را این طور شرح داد. او گفت: لحظاتی قبل من و دوستم در تقاطع خیابان فتح با آزادگان، منتظر تاکسی بودیم که یک پراید مسافربر سفید رنگ توقف کرد. راننده مرد جوانی بود و بعد از گفتن مسیرمان هر دو در صندلی عقب سوار شدیم. بعد از طی مسافتی راننده ناگهان اسلحه کشید و خودش را مأمور پلیس معرفی کرد. او با تهدید اموال ما را سرقت کرده و در محلی خلوت حوالی شهرزیبا ما را از خودرو پیاده کرد و از محل دور شد.

بعد از مطرح شدن شکایت تحقیقات کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران برای شناسایی و دستگیری متهم به جریان افتاد. مأموران پلیس با اطلاعاتی که دو مرد مسافر در اختیارشان قرار دادند و همچنین بررسی دوربین‌های مدار بسته موفق شدند شماره پلاک خودرو را به دست آورند. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مأموران پلیس راننده مسافربر را که کریم نام داشت، شناسایی و چند روز قبل او را بازداشت کردند. این مرد از سوی دو شاکی شناسایی شد و بعد از آن بود که به اخاذی به این شیوه اعتراف کرد. وی گفت: از مدتی قبل تصمیم گرفتم که به این شیوه از مسافران اخاذی کنم. برای این کار اسلحه کمری تهیه کردم و بعد از شناسایی سوژه‌هایم با تهدید اسلحه از آنها اخاذی می‌کردم. من خودم را مأمور پلیس معرفی می‌کردم و آنها را می‌ترساندم تا علیه من شکایت نکنند با این حال شناسایی و بازداشت شدم.

تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در اداره یک پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

عامل مرگ راننده سراتو از قتل عمد تبرئه شد

مردی که در درگیری با خودروی پژوی خود، راننده خودروی سراتویی را زیر گرفته و باعث مرگ او شده‌بود در دادگاه از قتل عمد تبرئه و به دیه، حبس و تبعید محکوم شد.

به گزارش جوان، ۸ اسفندسال ۹۸، مأموران پلیس تهران از تصادف منجر به فوت نزدیک خیابان ولیعصر باخبر و راهی محل شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت در آن تصادف راننده یک خودروی سراتو در برخورد با خودروی پژو۲۰۷ در دم فوت کرده و راننده پژو۲۰۷ نیز متواری شده‌است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند تا اینکه در بررسی دوربین‌های مداربسته محل حادثه دریافتند تصادف خونین عمدی بوده‌است. مأموران سرانجام چند ماه بعد راننده پژو۲۰۷ را شناسایی و بازداشت کردند.

متهم که حامد نام دارد در پلیس آگاهی مورد تحقیق قرار گرفت و با اقرار به جرمش گفت: «آن شب با نامزدم برای تفریح بیرون رفته‌بودیم و در خیابان‌ها دور دور می‌کردیم که در مسیر خیابان ولیعصر به سمت شریعتی به چراغ قرمز برخورد و توقف کردم. همان موقع نیز یک خودروی سراتو پشت چراغ قرمز توقف کرد. او به من نگاهی انداخت و فکر کرد قصد دارم با او کل کل کنم. به همین خاطر نگاه چپ کرد اما اهمیتی ندادم. بعد از سبز شدن چراغ شروع به حرکت کردم که همان موقع راننده سراتو نیز حرکت کرد و می‌خواست سد راهم شود. برای اینکه با هم برخورد نکنیم به سمت کوچه مجلسی پیچیدم اما فهمیدم کوچه بن بست است به همین خاطر دنده عقب گرفتم تا از کوچه بیرون بیایم که دیدم راننده سراتو از ماشینش پیاده شد. او در حالی که شی‌ای دستش بود به طرفم می‌آمد که از ترس تصمیم گرفتم هر چه زودتر از کوچه خارج شوم اما او خودش را روی کاپوت ماشین انداخت تا مرا مجبور کند ماشین را متوقف کنم.»

متهم ادامه داد: «سرعت ماشینم زیاد نبود اما علیرضا از روی کاپوت روی زمین افتاد. فکر نمی‌کردم زیر چرخ ماشینم افتاده‌باشد که ماشینم را حرکت دادم و فرار کردم تا اینکه پس از مدتی فهمیدم فوت کرده است.» متهم پس از اعتراف، به اتهام قتل عمد راهی زندان شد و پرونده وی پس از کامل شدن در اولین جلسه محاکمه روی میز هیئت قضایی شعبه‌دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی قرار گرفت. در آن جلسه اولیای‌دم که پدر و مادر مقتول بودند برای متهم درخواست قصاص کردند.

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و با انکار قتل عمدی از خودش دفاع کرد و گفت: «مقتول خیلی عصبانی بود. برای اینکه با هم درگیر نشویم تصمیم گرفتم آن محل را ترک کنم. باور کنید فکر نمی‌کردم از روی او رد شده‌باشم و او فوت کرده‌باشد.»

متهم در خصوص فرارش نیز گفت: «از آنجایی که نامزدم همراهم بود، نمی‌خواستم با مقتول درگیر شوم و مقابل نامزدم فحاشی کنیم به همین خاطر فرار کردم. آن لحظه متوجه نشدم علیرضا فوت کرده است تا اینکه بعد از دستگیری فهمیدم چه اتفاقی افتاده است.»

در پایان هیئت قضایی بعد از بررسی اوراق پرونده متهم را از قتل عمدی تبرئه و او را به هشت‌سال حبس و پرداخت دیه محکوم کرد.

این حکم با اعتراض اولیای‌دم به دیوان عالی کشور فرستاده شد تا اینکه رأی صادره نقض شد و پرونده این بار به شعبه همعرض ارجاع داده شد.

به این ترتیب متهم برای دومین بار مقابل هیئت قضایی شعبه‌پنجم دادگاه قرار گرفت. در این جلسه اولیای‌دم دوباره برای متهم درخواست قصاص کردند.

سپس متهم بار دیگر قتل عمد را انکار کرد و گفت: «باور کنید قصد نداشتم با ماشینم از روی مقتول رد شدم. فقط دنده عقب گرفتم تا هر چه زودتر از آن کوچه خارج شوم که کار به درگیری نکشد. مقتول خیلی عصبانی بود. او شی‌ای از ماشینش برداشته بود تا به من حمله کند. نمی‌خواستم مقابل نامزدم اتفاق بدی بیفتد. شاید اگر فرار نمی‌کردم کشته می‌شدم. چاره‌ای جز فرار نداشتم.»

در پایان هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم، با توجه به مدارک موجود در پرونده، متهم را بار دیگر از قتل عمد تبرئه و با تشخیص غیرعمدی بودن قتل، وی را به پرداخت دیه، حبس و دوسال تبعید محکوم کردند.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو هاچ بک تیبا ۲ مدل ۱۳۹۷رنگ نوک سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۴ ۷۹۷ ن ۳۶) به شماره موتور M۱۵/۸۵۵۸۸۰۸شماره شاسی NAS۸۲۱۱۰۰J۱۱۴۶۲۶۰ متعلق به مهیار داوری زنجانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

آگهی تغییرات شرکت

آگهی تغییرات شرکت توسعه هوش افزار کودک آوند شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۶۱۴۹۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۷۷۸۳۷۳ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت به آدرس جدید: استان خراسان رضوی، شهرستان مشهد، بخش مرکزی، شهر مشهد، محله رازی، کوچه اندیشه ۱۹ ممیز ۶ [استادیوسفی ۴۳]، خیابان اندیشه ۱۹، پلاک -۲۰، طبقه اول و کد پستی ۹۱۸۹۹۸۵۸۵۴ و تلفن ۰۵۱۳۶۶۶۶۲۷۳ تغییر یافت و ماده مربوطه به شرح فوق اصلاح گردید. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مشترک آقایان علیرضا کمیلی نژاد و صادق کمیلی نژاد همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری مشهد (۱۱۶۴۲۷۶)

آگهی اعلام مفقودی

بدینوسیله اعلام میدارد دانشنامه پایان تحصیلات دوره کارشناسی عمران بنام سیامک بهروز قائمی به شماره ۱۵۸۹۱۴۷۰۰۵۴۷ بتاریخ ۱۵/۲/۹۰ و گواهینامه موقت پایان تحصیلات کارشناسی ارشد نامبرده به شماره ۲۵۱۵۲ (۱۳-۱۵-۳) بتاریخ ۹/۱۱/۱۳۹۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.|تبریز

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت شناسایی خودرو پراید تیپ ۱۴۱ آی مدل ۱۳۸۷رنگ نوک مدادی متالیک شماره پلاک (ایران ۲۱ ۵۹۹ و ۱۳) به شماره موتور ۲۳۸۱۴۰۱ شماره شاسی S۱۴۸۲۲۸۷۲۴۸۹۵۸ متعلق به آرام صالحی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو ام.وی.ام تیپ AT_X۲۲ مدل ۱۳۹۶رنگ نوک مدادی متالیک شماره پلاک (ایران ۱۴ ۱۶۹ ه ۲۳) به شماره موتور MVMD۴G۱۵BAGH۰۰۷۹۸۳ شماره شاسی NATFBABW۴H۱۰۰۶۷۹۵ متعلق به مازیار داوری زنجانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز